

سامانه های اخلاقی مرجع در نظریه های توسعه و پیامدهای

راهبردی ناهمسویی

ناصر صنوبر^۱

چکیده

انتولوژی، از ارکان عمده نظریه پردازی است. مرجع انتولوژی، اخلاق است که از سه ریشه پلورالیسم یا کثرت گرایی، وحدت گرایی و بنیادگرایی نشات می گیرد. در موارد کثیر این سه سامانه اخلاقی تقابل دارند و تقابل جوهری این سه همواره بستر تعارض را فراهم می کند. جنگ، تعارض منطقه ای، تروریسم، نزاع های حزبی و جناحی، وندالیسم، نارضایتی، بحران هویت، رفتارهای نابهنجار در سبک زندگی نمونه محصولات این ناهمسویی است. مقاله حاضر سعی دارد پس از تشریح آثار تضاد سامانه های اخلاقی بر نظریه های توسعه، تئوری های عمده در مدل سازی پیامدهای راهبردی ناهمسویی را معرفی کند. در این میان تلاش می شود با استفاده از این نظریه ها توضیحی برای منازعات تهدیدکننده حاکمیت فراهم شود. نتایج این مقاله نه تنها می تواند در امر سیاست گذاری های مدیریت فرایند نظریه پردازی ایرانی اسلامی پیشرفت استفاده شود. بلکه می تواند دانشجویان تحصیلات تکمیلی و محققین را در تدارک پشتوانه نظری پژوهش های خود یاری می کند.

واژگان کلیدی: سامانه اخلاقی، انتولوژی، ناهمسانی شناختی، ارزش ها، سبک زندگی،

وحدت گرایی

۱- مقدمه

وقتی ارزش ها با نگرش ها و یا ارزش ها با یکدیگر مغایرت داشته باشند وضعیت حاصله در ادبیات نظری، ناهمسانی شناختی نامیده می شود. ناهمسانی شناختی به وضعیت خاصی از تباین ارزش ها با یکدیگر یا ارزش ها با نگرش ها اطلاق می شود. منشأ ارزش ها به انتولوژی، فرهنگ و سنت ها متوجه است و از سامانه های اخلاقی تأثیر پذیرفته و متقابلاً تحت تأثیر

^۱ دکترای سیاستگذاری سازمانی و دانشیار دانشگاه تبریز

قرار می‌دهد. نگرش‌ها نیز از محیط و موقعیت متأثر است و نقش مهمی در رفتار دارد. سبک زندگی محصول مستقیم ارزش‌ها و نگرش‌هاست. ناهمسانی شناختی در سطح فردی موجب استرس و فرسودگی، در سطح گروهی موجب سرعت از گروه، در سطح اجتماعی منجر به وندالیسم و رفتارهای ناپه‌نجا می‌شود. سبک زندگی ناپه‌نجا نیز از محصولات مستقیم ناهمسانی شناختی است. ریشه ارزش‌ها را باید در اخلاق جستجو نمود که آن نیز از هستی‌شناسی یا انتولوژی حاصل می‌شود. نگرش‌ها نیز از سه حوزه وراثت، محیط و موقعیت متأثر می‌شود. وقتی سامانه‌های اخلاقی با یکدیگر مغایرت بنیادین داشته باشد، فرآورده‌های آن نیز دچار تضاد و تعارض خواهد بود. در سطح فراملی از این نقیصه بحرانی ناهمسانی شناختی در یافتن دستاویزهایی برای تحت تأثیر قرار دادن نظام مقابل استفاده می‌شود. محورهای مهم زیر حاصل این نقیصه است. در این مقاله رابطه انتولوژی با ناهمسانی شناختی و تأثیر مخرب آن بر رفتار رهگیری و شش کانال مستقیم تأثیر ناهمسانی حاصله بر سبک زندگی نیز معرفی می‌شود. نتایج مقاله می‌تواند محققین را در توسعه مدل‌های پژوهش و سیاستگذاران را در امر تنظیم اقدامات مؤثر مداخله یاری نماید.

۲- پایه‌های نظری تعارض

هدف اصلی تئوری‌های مرتبط یافتن توضیحی برای کشف و مدل‌سازی «ریشه‌های تعارض» در سبک زندگی است. ایده اولیه تئوریک این است که رهگیری و رمزگشایی از تابع مطلوبیت تعارض می‌تواند به درک بهتر علل تعارض منجر شود. پرسش اصلی این است که آیا عوامل رفتاری همچون ناهمسانی شناختی و عوامل اقتصادی همچون فقر و یا سیاسی نظیر سرکوب می‌تواند به عنوان علل تعارض مطرح شود. بدیهی است ورود به این مسیر و کشف علل تعارض می‌تواند به ارائه پیشنهادات سازنده در مبارزه با تعارض منجر شود.

برخی از محققین همچون کروگر (۲۰۰۷)، لایتین (۲۰۰۸) معتقدند اهمیت شرایط سیاسی در درک تعارض بیشتر از عوامل اقتصادی است. در مقابل تعداد کثیری نیز، که در ادامه مرور می‌شود، معتقدند سهم عوامل اقتصادی حداقل کمتر از عوامل سیاسی نیست و

عوامل سیاسی نیز در راستای همان اهداف اقتصادی قابل توجه است. در ذیل برخی از مکاتب فکری عمده در توضیح عمل تعارض مرور می‌شود.

۲-۱- ایده برخورد تمدن‌ها

هانتینگتون (۱۹۹۶) معتقد است بسیاری از تعارضات در سطح فراملی، حاکمیتی، گروهی و فردی محصول برخورد تمدن‌ها و آراء بنیادی است. ایده اصلی این است که هنگامی که گروه‌ها هویت‌های متفاوتی دارند و در حوزه‌های اساسی نظیر دین، قومیت، ایدئولوژی با هم اختلاف دارند، زمینه بروز تعارض فراهم است. این شرایط موجب افزایش درگیری‌ها بین گروه‌های مختلف در یک کشور و یا بین کشورهای مختلف در امتداد خطوط تمدنی و عقیدتی می‌شود. تقابل بین نظام‌های بنیادگرا در مقابل کثرت‌گرا و یا وحدت‌گرا همواره قابل پیش‌بینی است. به ویژه اگر طرفین بر برتری آراء خود استوارتر باشند زمینه تقابل بیشتر می‌شود. این نوع نظام تقابل، اگر با کاهش پایبندی‌های اخلاقی همراه باشد، بستر مستعد تعارض خواهد بود (برنهلز، ۲۰۰۶).

وقتی گروه‌های مختلف جمعیت با هویت‌های متفاوت، سیاست‌های مغایر دنبال می‌کنند، همواره انگیزه برای تولید تعارض فراهم است (آرک و سندلر، ۲۰۰۳). البته معمولاً تعارض متوسط گروه‌های پست پیگیری می‌شود و تلاش می‌کنند بدان وسیله نتایج را به نفع خود تغییر دهند و همواره پرهیز می‌کنند که به این صفت در جامعه معرفی شوند. هویت و مخالفت با هویت دیگران به عنوان یک عوامل تسهیل کننده در تعارض و به ویژه جلب حامیان عمل می‌کند. این نظریه مغایرت در سبک زندگی را محصول تقابل بنیادین ارزشها می‌داند.

۲-۲- حفره تغییرات اجتماعی و اقتصادی

برخی دیگر از محققین بر نقش تغییرات اجتماعی و اقتصادی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی بلند مدت تأکید می‌کنند. آنها معتقدند تعارض در الگوهای رفتاری را محصول مدرنیزاسیون است. مدرنیزاسیون انواع مختلفی از فشار ایجاد می‌کند. به عنوان مثال تغییر شرایط اقتصادی از کشاورزی به صنعت و روستا محوری بر شهر محوری منجر با فشارهای شدید اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی همراه است و این فشارها بستر را برای تولید خشونت مناسب می‌کند (ریسون و همکاران، ۲۰۰۲). و یا به عنوان مثال پیشرفت‌های پزشکی،

الگوها و ساختار جمعیت را تغییر می‌دهد و این تحولات موجب بروز خشونت می‌شود (ارلیک و لیسو، ۲۰۰۲).

به طور کلی، مدرنیزاسیون با تغییرات اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی همراه است و گروه‌هایی تلاش دارند با تمرکز بر افراد و گروه‌های ناراضی و بازماندگان فرآیند، فرصت‌هایی برای استخدام، تأمین مالی و جلب پیروان و اعمال تخریبی پیدا می‌کنند. در این راستا گروه‌ها و دول معارض ممکن است از ابزارهای جدید ارتباطی برای اشاعه نظرات خود استفاده کنند (راس، ۱۹۹۳). مدرنیته به احتمال زیاد هزینه‌های فعالیت‌های ایضایی را کاهش می‌دهد. نارضایتی اقتصادی، از خود بیگانه شدن، چالش‌های مربوط به الگوهای سنتی اجتماعی، همگی بستر مناسبی برای تولید خشونت ایجاد می‌کند.

۲-۳- حفره نظم سیاسی و نهادی

سومین نظریه که تلاش دارد توصیفی برای ریشه تعارض در الگوی زندگی ارائه کند به تئوری نظم سیاسی و نهادی موسوم است. این نظریه تلاش دارد تعارض را به سیستم خاص سیاسی نظیر دموکراتیک یا مستبد مرتبط نماید. این نظریه معتقد است هر چه شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز ابراز عقیده بیشتر باشد، تمایل به استفاده از خشونت کاهش می‌یابد و یا به عبارت دیگر هزینه‌های فرصت توسط به خشونت افزایش می‌یابد. میزان قدرت دولت و حکومت، دولت سیاسی یا وابستگی‌های ایدئولوژیک ممکن است محاسبات افراد را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال قدرت زیاد دولت ممکن است مشکلات بیشتری برای گروه‌های اجتماعی رانت جو تلقی شود و این امر توسط به تعرض را جذاب‌تر می‌کند (کرک، ۱۹۸۳). همچنین اگر نظم نهادی مانع از مشارکت اقتصادی ناسالم شود و بسترهای فساد را محدود کند، ممکن است محرک تعارض باشد. چرا که با محدود شدن فرصت دست‌یازی و فساد، هزینه فعالیت سالم افزایش یافته و انگیزه توسط به خشونت برای پیشبرد اهداف پلید افزایش یابد.

هزینه‌های فرصت خشونت ممکن است با افزایش کیفیت سازمانی دولت افزایش یابد (کایتگرارد- کوراید و همکاران، ۲۰۰۶). به این معنی که هر چه کارآمدی دولت بیشتر شود، زمینه دست‌یابی به ثروت آسان محدودتر شده و انگیزه توسط به خشونت بیشتر می‌شود.

برخی از محققین تحول سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی را علت اصلی تعارض در الگوی رفتاری برمی‌شمارند. این دیدگاه معتقد است تغییرات سیاسی زمینه‌توسل به تعارض را فراهم می‌کند. تغییرات در یک نظام سیاسی، موجب خلاء سیاسی قدرت می‌شود و گروه‌های معارض و دول متخاصم می‌توانند از این خلاء برای پیشبرد برنامه‌های فشار خود استفاده کنند. دلیل اول اینکه در این شرایط هزینه اقدامات مخاطره‌آمیز ااهش می‌یابد (بدلیل عدم انسجام قدرت و شرایط متزلزل سیاسی)، دوم اینکه هزینه‌های فرصت خشونت در برابر هزینه‌های فرصت جایگزین‌های غیر خشونت‌آمیز کاهش می‌یابد و ممکن است دست‌آوردهای توسل به تعارض یا همان منافع خشونت نیز افزایش یابد. سوم اینکه دولت‌های بی‌ثبات معمولاً خود از تعارض استفاده می‌کنند (کامپس و کاسبیز، ۲۰۰۸).

۲-۴- حفره محرومیت نسبی و فقر

برخی از محقق صراحتاً انگیزه تعارض در الگوی رفتاری را محرومیت نسبی اقتصادی، فقر، نابرابری داخل کشور و عدم وجود فرصت‌های اقتصادی می‌دانند و خشونت و تعارض زمانی تولید می‌شود که افراد تصور می‌کنند حق آنها از توزیع به صراحت بیشتر از سهم فعلی آنهاست (گور، ۱۹۷۰). شرایط ضعیف اقتصادی منجر به سرخوردگی می‌شود و آن نیز به سهم خود احتمال خشونت را افزایش می‌دهد. در محیط‌هایی که در آن محرومیت نسبی اقتصادی غالب است، سازمان‌های معارض و نظام سلطه راه آسان‌تر و کم هزینه‌تری را برای جذب پیروان ناامید و مأیوس فعلی پیدا می‌کنند. هدف این گروه دریافت کمک مالی است. عدم وجود فرصت‌های اقتصادی مناسب و غیرخشونت‌آمیز، تمایل افراد به بررسی اقتصادی پیشنهادات تخریبی را افزایش می‌دهد.

۲-۵- حفره جهانی شدن

در برخی موارد ادغام‌های سیاسی و اقتصادی نیز به تعارض مرتبط می‌شود. از یک طرف، دیدگاه حاضر در واقع بسط این نظر است که تعارض ریشه در تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی و شرایط عرصه‌ی جهانی دارد. اگر افراد به وسیله نظم موجود جهانی تحریک شوند و آن را ناعادلانه تلقی کنند، یافتن هوادار برای سازمان‌های تروریستی آسان‌تر خواهد شد. تعارض به عنوان ابزار سیاسی ابراز نارضایتی بکار می‌رود.

از سوی دیگر جهانی شدن اقتصاد نیز ممکن است اثرات خاصی بر تعارض داشته باشند. به عنوان مثال آزادسازی تجاری، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و ترانزیت و فعالیت‌های مرزی زمینه را برای افزایش تردد تنوع‌ها مساعد می‌کند (میرزا و وردیر، ۲۰۰۸). سیاست خارجی، ساختارهای اتحادی و سلطه خارجی، فعالیت‌های مخرب را تحریک می‌کند. درگیری بین یک دولت با گروه مخالف ممکن است به ورود یک دولت خارجی بیانجامد و این دول خارجی ممکن است از روش‌های ناآشکار نظیر تعارض برای پیشبرد اهداف حمایتی خود استفاده کنند.

البته این شرایط همواره به تولید خشونت نمی‌انجامد بلکه ممکن است به واسطه جهانی شدن، نارضایتی جهانی از تعارض نیز بهتر و سریع‌تر نمایان شده و احتمال تعارض کاهش یابد. و یا یک برنامه توسعه اقتصادی ممکن است زمینه نابرابری درآمدی را کاهش داده و پتانسیل خشونت کاهش یافت (لی و اسپهوب، ۲۰۰۴).

۲-۶- زنجیره سرایت زمانی و مکانی

سرانجام اینکه تئوری نشر و سرایت نیز تلاش دارد از مسیر متفاوتی علت تعارض در الگوی رفتاری را توضیح دهد (میدلارسکاری و همکاران، ۱۹۸۰). تعارض ماهیتاً از یک مکانیسم خود تقویت کننده هم در بعد زمان و هم در بعد مکان برخوردار است. سابقه تعارض، تعارض جدید را در پی دارد (سرایت زمانی). دوم اینکه اگر کشور یا منطقه‌ای از تعارض رنج می‌برد، معمولاً کشورهای دیگر و همجوار نیز از تبعات آن متأثر می‌شوند (سرایت مکانی). علاوه بر این همکاری سازمان‌ها و دول نتعارض با یکدیگر، هزینه‌های کار را کاهش می‌دهد (به عنوان مثال از طریق به اشتراک‌گذاری دانش) و یا احتمال و حجم دست‌آوردها را بدلیل هم نیروی ذاتی و توسل به اقدامات خشن‌تر افزایش می‌دهد. لذا نزدیکی مکانی و زمانی سهم قابل توجهی در ملاحظات هزینه/منفعت تولید خشونت ایفا می‌کند.

۳- مطالعات تجربی

معدودی از پژوهش‌های این حوزه به جای تمرکز بر ریشه‌های فراملی تعارض رفتاری، بر اهداف آن تمرکز کرده‌اند. پژوهش‌ها مزبور سعی دارند به این سؤال پاسخ دهند که چرا احتمال تبدیل شدن برخی کشورها به قربانیان تعارض بیشتر از سایرین است؟

هر چند این دسته از پژوهش‌ها نیز نتوانسته‌اند درک درستی از چرایی این امر ارائه کنند.

برخی شواهد حاکی است موفقیت اقتصادی از جمله افزایش درآمد ملی و نرخ رشد اقتصادی موجب می‌شود یک کشور بیشتر آماج اهداف تخریب عمدی رفتار باشد (تاواریس، ۲۰۰۴؛ بلومبرگ و همکاران، ۲۰۰۴؛ بلومبرگ و هس، ۲۰۰۸ و کروگر ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد موفقیت اقتصادی موجب نارضایتی بازماندگان از درک نظم جدید شده و به وسیله تعارض خشم را ابراز کنند.

با این حال برخی پژوهش‌ها معتقدند هیچ رابطه قابل توجهی بین تعارض و شرایط اقتصادی وجود ندارد (لی، ۲۰۰۴؛ لی، ۲۰۰۵؛ پیازا، ۲۰۰۶؛ درهر، ۲۰۰۸). پارهای از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد بی‌ثباتی سیاسی عامل مهمی است که موجب جذابیت کشور هدف برای تخریب‌های سازمان یافته باشد (کامپوس و گاس سبز، ۲۰۰۸؛ پیازا، ۲۰۰۸). پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد عوامل نهادی همچون ایدئولوژی دولت (کخ و کرانمر، ۲۰۰۷) و یا هزینه‌های اجتماعی (بورگوون، ۲۰۰۶)، به طور منظم و معنی‌داری به الگوهای مختلف تعارض رفتاری مرتبط می‌شود.

مطالعات واینبرگ (۲۰۰۱)، لی (۲۰۰۵)، پیازا (۲۰۰۶) و کروگر ولایتین ۲۰۰۸ نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین نظام سیاسی و نهادی کشور و احتمال مورد حمله واقع شدن وجود دارد. البته دلایل محکمی مبنی بر اینکه کشورهای مستبد یا لیبرال بیشتر مستعد حملات هستند وجود ندارد، بلکه حکومت‌های شبه باز درصدر گزارش‌ها قرار دارند.

علاوه بر این شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین سیاست‌های جمعیتی و بین‌المللی با تعارض وجود دارد. به عنوان مثال، دراکس و گوفاس (۲۰۰۶) نشان دادند بین ترکیب و هرم جمعیت و احتمال برنامه‌های تخریب رفتار رابطه وجود دارد. درگیری و تنوع قومی نیز با این موضوع رابطه دارد (پیازا، ۲۰۰۶). درهروگاس سبنر (۲۰۰۸) در محدود پژوهش‌های گزارش شده از این دست نشان دادند بیشتر موارد تعارض بین‌المللی به نوعی با ایالات متحده آمریکا رابطه دارد.

بریت ویت و لی (۲۰۰۷) نشان دادند توزیع جغرافیایی تعارض از الگوی معنی‌داری تبعیت می‌کند. نزدیکی مکانی و زمانی با احتمال تعارض رابطه دارد و این امر فرضیه

سرایت زمانی و مکانی را تقویت می‌کند. اثر شبکه‌ای و یادگیری مکانیسم تشدید خودکار و نشر از طریق رسانه‌ها نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۴- بحث و نتیجه گیری

هر چند کارهای زیادی در تحلیل علل تعارض در الگوهای رفتاری و بایسته‌های هنجاری به ویژه در سبک زندگی انجام شده ولی نتایج دارای همگونی نیست. همچنان در شدت تأثیر عوامل اقتصادی در قیاس با عوامل سیاسی و نهادی، شکست دولت و نقش جهانی شدن اختلاف نظر وجود دارد. شاید این امر نشان می‌دهد منشأ و ریشه این پدیده یکسان نیست و از عوامل متفاوت تأثیر می‌پذیرد.

در این مقاله، ادبیات نظری و پیشینه تجربی عوامل تعیین کننده تعارض در الگوی رفتاری مرور و حداقل شش نظریه مهم برای درک تعارض معرفی شد. گروهی از محققین تلاش دارند علت تعارض را به مسایل اقتصادی ربط دهند و تعدادی نیز بر عوامل سیاسی تاکید دارند. به نظر می‌رسد علی‌رغم این تمهیدات فعالان، ادبیات موجود قادر نیست درک کاملی از تعارض را به تصویر کشد. با این حال در خصوص برخی از انواع آن بویژه تعارض فراملی نتایج قابل توجهی حاصل گردید. به نظر می‌رسد این نوع تعارض منشأ سیاسی داشته عمدتاً در کشورهای توسعه یافته انجام می‌شود و در اقتصادهای پیشرفته هدایت می‌گردد.

عوامل مربوط به تعارض دارای ماهیت درهم تنیده و روابط متقابل است و این نکته باید در پژوهش‌های آتی ملحوظ شود. موضوع علیت معکوس باید به درستی در پژوهش‌ها لحاظ شود. از یک سو انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی منشأ تعارض است و از سوی دیگر تعارض نیز این پیش‌ران‌ها را تحت تأثیر قرار داده و مکانیسم خود تشدید کننده را محتمل می‌نماید. اکثر مطالعات یک رابطه ثابت علی و معلولی را مفروض می‌شمارند و از اثر متقابل غفلت می‌کنند. با این حال می‌توان گفت کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر از اقتصادهای پیشرفته از تعارض رنج می‌برند چون معمولاً (۱) توانایی سازمانی محدودتری دارند. (۲) بازارهای کوچک و کم‌توان دارند و (۳) انعطاف سیاسی زیادی ندارند. تعارض بر هزینه‌های مستقیم دولت‌ها در مدیریت پیامدهای آن تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن واکنش‌های اضطراری، توانایی نهادی دولت، سیاست‌های مناسب پولی و مالی، مدیریت

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

اعتماد اجتماعی، تبعات بر نوع و رفتار دولت و حکومت نیز به موضوع تعارض مربوط می‌شود.

درک دقیق ماهیت این عوامل به بررسی های علمی بیشتر نیازمند است و لازم است به ویژه مجامع دانشگاهی و دانشکده های اقتصاد و مدیریت بر این مسایل تمرکز کنند.

منابع

- Arce, D.G., Sandler, T. (2003). An Evolutionary Game Approach to Fundamentalism and Conflict. *Journal of Institutional and Theoretical Economics* **159**: 132-154.
- Auerswald, P., L.M. Branscomb, T.M. La Porte and E. Michel-Kerjan (2005). "The Challenge of Protecting Critical Infrastructure." *Issues in Science and Technology* **22**(1): 77-83.
- Bernholz, P. (2006). International political system, supreme values and Conflicts. *Public Choice* **128**: 221-231.
- Blomberg, S. and G. Hess (2008a). The Lexus and the Olive Branch: Globalization, Democratisation and Conflicts. Conflicts, Economic Development, and Political Openness. P. Keefer and N. Loayza, Cambridge University Press: New York: 116-147.
- Blomberg, S. and G. Hess (2008b). From (No) Butter to Guns? Understanding the Economic Role in Transnational Conflicts. Conflicts, Economic Development, and Political Openness. P. Keefer and N. Loayza, Cambridge University Press: New York: 83-115.
- Blomberg, S.B., G.D. Hess and A. Weerapana (2004b). "Economic Conditions and Conflicts." *European Journal of Political Economy* **20**(2): 463-478.
- Blomberg, S.B. and A. Moody (2005). "How Severely Does Violence Deter International Investment?" Claremont McKenna College.
- Kaplan, H. (2003). "War and Conflicts Insurance: Plans for Long-Term International Stability and Affordability." *Geneva Papers on Risk and Insurance: Issues and Practice* **28**(3): 426-447.
- Ciznokta, M. R. et al, 2005, Positioning Conflicts in Management and Marketing, *Journal of International Management*. 11,581-604.
- Council of the European Union (2005). The European Union Counter-Conflicts Strategy.
<http://register.consilium.europa.eu/pdf/en/05/st14/st14469-re04.en05.pdf>.

- Cowan, R., and D. Foray (1995). "Quandaries in the economics of dual technologies and spillovers from military to civilian research and development." *Research Policy* **24**: 851 - 868.
- Crain, N.V. and W.M. Crain (2006). "Terrorized economies." *Public Choice* **128**: 317-349.
- Dresher, A. and J.A.V. Fischer (2008). "Decentralization as a Disincentive for Transnational Terror? An Empirical Test." *International Economic Review* (forthcoming).
- Enders, W. and T. Sandler (2008). *Economic Consequences of Conflicts in Developed and Developing Countries: An Overview*. Conflicts, Economic Development, and Political Openness. P. Keefer and N. Loayza, Cambridge University Press: New York: 17-47. 54
- Enders, W., T. Sandler, G. Praise (1992). "An Econometric Analysis of the Impact of Conflicts and Tourism." *Kilos* **45**(4): 531-54.
- Feldman, A.E. and M. Pearl (2004). "Reassessing the Causes of Nongovernmental Conflicts in Latin America." *Latin American Politics and Society* **46**(2): 101-132.
- Freidan, M. and S. Seguin (2008). "Regional Underdevelopment and Conflicts: The Case of South Eastern Turkey." *Defence and Peace Economics* **19**(3): 225-233.
- Fleischer, A. and S. Bucolic (2002). "War, Terror and the Tourism Market." *Applied Economics* **34**, 1335-1343.
- Frey, B.S., S. Luechinger and A. Stutter (2009). "The life satisfaction approach to valuing public goods: The case of Conflicts." *Public Choice* **138**: 317-345.
- Frey, B.S. and D. Rohmer (2007). "Protection Cultural Monuments Against Conflicts" *Defence and Peace Economics* **18**(3): 245-252.
- Harrison, M. (2006b). "Bombers and Bystanders in Suicide Attacks, 2000-2003." *Studies in Conflict and Conflicts* **29**(2): 187-206.
- Harrison, M. (2009). "Counter-Conflicts in a Police State : The KGB and Codename Blaster, 1977" *University of Warwick Economics Research Paper Series* **918**.
- Heller, R. (2009). "Notions of Insecurity and Security Policy within the EU: A Historical Perspective." *DIW Berlin Economics of Security Working Paper* **4**.
- Hilsenrath, P. (2005). "Health Policy as Counter-Conflicts: Health Services and the Palestinians." *Defence and Peace Economics* **16**(5): 365 - 374.

- Hoban, B. (2003). "What Will Homeland Security Cost?" *Economic Policy Review* 8(2): 21- 33.
- Hoffman, B. (1998). *Inside Conflicts*. New York, Columbia University Press.
- Hogarth, R. (2002). "Insurance and Safety after September 11, 2001: Coming to Grips with the Costs and Threats of Conflicts" *Universidad Pompous Fabre Economics and Business Working Paper* 656.
- Hooke, R., Agnes, G., Chambers, I., et al, (2006). "Civil aerospace in the 21st century - Business as usual ... or a fresh start?" *Price Waterhouse Cooper*.
- Huntington, S. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Simon & Schuster: New York.
- Ethane, D. (2008). "The Absent Friend: EU Foreign Policy and Counter-Conflicts." *Journal of Common Market Studies* 46(1): 125-146.
- Katiuscia, S., V. Gillette and E. Blanzieri (2003). "How Has the 9/11 Terrorist Attack Influenced Decision Making?" *Applied Cognitive Psychology* 17(9): 1113-1127.
- Keefer, P. and N. Loayza (2008). *Conflicts, Economic Development, and Political Openness*. Cambridge University Press: New York.
- Kibitz, R. (2004). "U.S. Consumers and the War in Iraq." *Business Economics* 39(2): 18-23.
- Kirk, R.M. (1983). *Political Conflicts and the size of government: A positive institutional analysis of violent political activity*. *Public Choice* 40: 41-52.
- Krieger. T. and D. Meierrieks (2009). "Conflicts in the Worlds of Welfare Capitalism." *CIE Working Paper* 22, University of Paderborn.
- Economics Letters* 101: 293-296.
- Krueger, A.B. and J. Malenkov (2003). "Education, Poverty and Conflicts: Is There a Causal Connection?" *The Journal of Economic Perspectives* 17(4): 119-144.
- Krueger, A.B. and D.D. Laitin (2008). *Kato Kobo?: A Cross-Country Study of the Origins and Targets of Conflicts*. *Conflicts, Economic Development, and Political Openness*. P. Keefer and N. Loayza, Cambridge University Press: New York: 148-173.
- Lee, D.R. (1988). "Free Riding and Paid Riding in the Fight against Conflicts." *American Economic Review* 78(2): 22-26.

- of Conflicts." OECD Working paper 334, Department of Economics, Paris: OECD.
- Leonard, J.S. (2001). Impact of the September 11, 2001 Terrorist Attacks on North American Trade Flows., Manufacturers Alliance E-Alert, Arlington Virginia.
- Lerner, J. (1992). "The Mobility of Corporate Scientists and Engineers between Civil and Defence Activities: Implications for Economic Competitiveness in the Post-Cold War Era." *Defence and Peace Economics* 3(3): 229-42.
- Lerner, J.S., R.M. Gonzalez, D.A. Small and B. Fischhoff (2003). "Effects of Fear and Anger on Perceived Risks of Conflicts: A National Field Experiment." *Psychological Science* 14(2), 144-150.
- Li, Q. (2005). Does Democracy Promote or Reduce Transnational Terrorist Incidents? *Journal of Conflict Resolution* 49(2): 278-297.
- Li, Q. and D. Scab (2004). "Economic Globalization and Transnational Conflicts: A Pooled Time- Series Analysis." *Journal of Conflict Resolution* 48(2): 230-258.
- Lichtenberg, F. (1995). *Economics of Defence* Rend. Handbook of Defence Economics. K. Hartley, and T. Sandler, Amsterdam, Elsevier.
- Lima, N. and A.J. Enabes (2001). "Infrastructure, Geographical Disadvantage, Transport Costs, and Trade." *World Bank Economic Review* 15(3): 451-479.
- Müller-Wille, B. (2008). "The Effect of International Conflicts on EU Intelligence Cooperation." *Journal of Common Market Studies* 46(1): 49-73.
- Kitsch, V. and D. Schumacher (2004). "Conflicts and International Trade: An Empirical Investigation." *European Journal of Political Economy* 20(2): 423-433.
- Paper, R.A. (2003). "The Strategic Logic of Suicide Conflicts." *American Political Science Review* 97(3): 1-19.
- Phillips, P.J. (2005). "The 'Price' of Conflicts." *Defence and Peace Economics* 16(6): 403 - 414.
- Piazza, J.A. (2006). "Rooted in Poverty?. Conflicts, Poor Economic Development, and Social Cleavages." *Conflicts and Political Violence* 18(1): 159-177.

- Piazza, J.A. (2007). "Draining the Swamp: Democracy Promotion, State Failure, and Conflicts in 19 Middle Eastern Countries." *Studies in Conflict & Conflicts* **30**(6): 521-539
- Piazza, J.A. (2008a). "Do Democracy and Free Markets Protect Us From Conflicts?" *International Politics* **45**(1): 72-91.
- Piazza, J.A. (2008b). "Incubators of Terror: Do Failed and Failing States Promote Transnational Conflicts?." *International Studies Quarterly* **52**: 469-488.
- Piazza, J.A. (2008c). "A Supply-Side View of Suicide Conflicts: A Cross-National Study." *The Journal of Politics* **70**(1): 28-39.
- Ross, J.I. (1993). Structural Causes of Oppositional Political Conflicts: Towards a Causal Model. *Journal of Peace Research* **30**(3): 317-329.
- Rothberg, R.I. (2002). The New Nature of Nation-State Failure. *The Washington Quarterly* **25**(3): 85- 96.
- Russell, T. (2002). "The Costs and Benefits of the Conflicts Risk Insurance Act: A First Look." NBER Insurance Conference Paper.
- Ryan's, J.K., Jr. and W.L. Shackling (1980). "How Managers Cope with Conflicts." *California Management Review* **23**(2): 66-72.
- Sandler, T. and W. Enders (2004). "An Economic Perspective on Transnational Conflicts." *European Journal of Political Economy* **20**(2): 301-316.
- andler, T. and K. Siqueiros (2006). "Global Conflicts: deterrence versus pre-emption." *Canadian Journal of Economics* **39**: 1370-1387.
- Schelling, T.C. (1991). "What Purposes Can "International Conflicts" Serve?" *Violence, Conflicts, and Justice*, R.G. Frey and C.W. Morris,
- Stevens, B. (2003). Factors Shaping the Demand for Security Goods and Services. Paper presented at the OECD Forum for the Future on The Security Economy: What Trade- Offs in an Open and Mobile Society? Paris.
- Sunder, G., (2004). Conflicts and the international business environment : the security-business nexus. Cheltenham, Elgar.
- Sun stein, C.R. (2003). "Conflicts and Probability Neglect." *The Journal of Risk and Uncertainty* **26**(2-3): 121-136.
- Viscose, W., K. and R.J. Zeckhauser (2003). "Sacrificing Civil Liberties to Reduce Conflicts Risks." *Journal of Risk and Uncertainty* **26**(2-3): 99-120.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

- Wade, S.J. and D. Reiter (2007). "Does Democracy Matter? Regime Type and Suicide Conflicts." *Journal of Conflict Resolution* **51**(2): 329-348.
- Walkenhorst, P. and N. Dihel (2002). *The Impact of the Terrorist Attacks of 11 September 2001 on International Trading and Transport Activities*. OECD, Paris.